

مقاله پژوهشی

نقش و رنگ در هنر و معماری: نشانه‌های هویت قوم بلوچ

کریم بخش ترشابی^۱؛ ساحل عرفان منش^۲؛ محمد حسن پور^۳

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

Email: torshabi@arts.usb.ac.ir

۲. استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

۳. استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۸

چکیده

مقدمه: منطقه بلوچستان به دلیل تنوع معماری و صنایع دستی، با وجود تفاوت‌های مشهود، هویت خاصی برای قوم بلوچ شکل می‌دهد. هدف این مطالعه شناسایی معنا و مفهوم رنگ‌ها و نقوش به‌کاررفته و تحلیل نقش آن‌ها به‌عنوان نمادهای هویتی قوم بلوچ است و این موضوع به درک بهتر ارزش‌ها و فرهنگ غنی این منطقه کمک می‌کند. بدین ترتیب، سوالات پژوهش به این مهم می‌پردازد که معنا و مفهوم، خواستگاه و منبع الهام رنگ‌ها و نقوش در صنایع دستی و مسکن بومی بلوچستان چیست؟ همچنین، چگونه نقوش و رنگ‌های به‌کاررفته در صنایع دستی و مسکن این منطقه را به‌عنوان نمادهای هویتی قوم بلوچ معرفی می‌شوند؟

روش پژوهش: پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی-تحلیلی و یافته‌های آن از طریق منابع کتابخانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی و بازدیدهای میدانی از انواع هنرها انجام شده است. جامعه آماری شامل مسکن بومی و هنرهای سنتی منطقه بلوچستان است و انتخاب نمونه‌ها با توجه به هدف پژوهش انتخابی بوده است. یافته‌های تحقیق به شکل کیفی تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقوش رنگارنگ در هنر بلوچی، به‌ویژه سوزن‌دوزی، نمادهای فرهنگی منحصربه‌فرد این قوم هستند و ریشه‌های مشترکی با فرهنگ‌های همسایه، به‌ویژه هند، دارند. رنگ‌ها در معماری بلوچستان فضایی شاداب ایجاد کرده و نقوش هندسی پیوستگی قوم بلوچ را در مواجهه با ناملایمات نمایان می‌سازند، به‌طوری‌که این عناصر جنبه‌های تزئینی و همچنین اساس بیان فرهنگی و اجتماعی آنان را تشکیل می‌دهند.

نتیجه‌گیری: علاقه و التزام قوم بلوچ به استفاده از نقوش هندسی ساده و رنگ‌های شاد در صنایع دستی و پوشاک محلی، همچنین در تزئینات داخلی و بیرونی مسکن بومی، هویت و منظر فرهنگی واحدی را در عین کثرت برای آن‌ها ایجاد کرده است. این امر نشان‌دهنده آن است که هنر و معماری بلوچستان با استفاده از این نقوش و رنگ‌های خاص، هویت فرهنگی قوم بلوچ را تبیین می‌کند.

کلیدواژه

نقش، رنگ، هنر و معماری، هویت، قوم بلوچ

ارجاع به این مقاله: بخش ترشابی، کریم، عرفان منش، ساحل و حسن پور، محمد، (۱۴۰۴). نقش و رنگ در هنر و معماری: نشانه‌های هویت قوم

بلوچ. پیکره، ۱۴(۳۹)، ۷۲-۸۸.

DOI: <https://doi.org/10.22055/pyk.2025.19886>



©2025 by the Authors. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

مقدمه و بیان مسئله

آثار هنری در هر جامعه بازتاب اندیشه‌ها و باورهای مردم هستند. نقوش و رنگ‌های استفاده شده در هنر مردم بلوچستان حاصل باورها و اعتقادات هنرمندان این خطه، نیازهای جامعه‌ای که این آثار هنری در آن و برای آن خلق شده و حاصل قابلیت‌های مواد، مصالح و امکانات موجود در طول تاریخ این منطقه می‌باشند. هر یک از مصالح همچون خشت، سنگ، چوب و غیره، قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود را دارند. این قابلیت‌ها در ابعاد، اندازه و کیفیت اثر هنری تأثیر خواهند گذاشت. در این بین نباید از زمینه‌های فرهنگی و تاریخی جامعه‌ای که هنر در آن خلق می‌شود، غافل بود؛ چرا که نوعی یکدستی و یکپارچگی را در مضامین محتوایی و شکلی تولیدات هنری جامعه هدف ایجاد می‌کند؛ به‌طوری‌که در انواع گوناگون اشکال هنری، اگر که باورها و اعتقادات هنرمندان و بالاخص جامعه‌ای که هنر در آن شکل می‌گیرد، یکپارچه باشد، هنرهای مختلف در آن جغرافیا و منطقه دارای ویژگی‌های مشترکی خواهند شد. این یکپارچگی استوار در باورها، سنن و آداب فرهنگی را در منطقه بزرگ بلوچستان به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود. از همین‌روست که مثلاً در سوزن‌دوزی، سفالگری و معماری منطقه با آنکه مقیاس‌ها، مصالح و امکانات هنری نوعاً از یکدیگر متفاوت هستند، می‌توان ویژگی‌های مضمونی و شکلی مشترکی را یافت؛ مانند نسبت‌ها، نقوش، رنگ‌ها و سایر خصوصیات که محصول آن، ایجاد روحی مشترک در انواع هنرهای منطقه است. از دیگرسو، تحقیقات فرهنگی و اجتماعی در منطقه بلوچستان بسیار نو پا است و مطالعات بیشتر در زمینه‌های مسکن سنتی بلوچ، نقش و نگاره‌های عامیانه بلوچ، فنون و ابزارها در تولیدات کوچ‌نشینان بلوچ، زندگی و سازگاری عشایر اقوام بلوچ با محیط‌زیست، ستاره‌شناسی بلوچ و بررسی جشن‌ها و اعیاد بلوچستان بوده است. سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ با نقش و نگاره‌های متنوع آن سرآمد هنر زنان بلوچ است؛ اما در خصوص مسکن بومی بلوچستان مطالعات اندکی صورت گرفته و از آن هم کمتر، مسئله ارتباط مسکن بومی با هنرهای سنتی منطقه است. با وجودی که امروزه بر همگان روشن است که سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ با نقش و نگاره‌های متنوع آن، یا سفال کلپورگان که ساخته فکر و اندیشه زنان بلوچ است و گستره مادی و معنوی فرهنگ بلوچ را در خود جای داده است، چه جایگاه و اهمیتی در زیست‌بوم مردم منطقه دارد؛ بنابراین، پرسش اصلی مربوط به چیستی و چرایی مضامینی فرهنگی است که منجر به شکل‌دهی ویژگی‌های مشترک پوشاک، صنایع‌دستی و گونه‌های خاص مسکن در بلوچستان شده است. ویژگی‌هایی که باعث خلق احساسی مشترک از انواع هنرهای بومی منطقه در بیننده می‌شود. این ویژگی‌ها می‌تواند در نتیجه اشتراکات فرهنگی در چگونگی شناخت رنگ و فرم، یا در منشأ الهام یا اشتراک در معنا و مفهوم عناصر هنری باشد. در این پژوهش ابتدا ضمن بررسی و معرفی مختصری از پوشاک، سوزن‌دوزی و تزیینات مسکن بلوچستان، با توجه به یافته‌های موضوع، مقایسه‌ای تطبیقی میان رنگ و نقوش به‌کار رفته در پوشاک، صنایع‌دستی و تزیینات مسکن ارائه خواهد شد. این مقایسه هم به لحاظ شکل ظاهری و منابع الهام، و هم به لحاظ معنایی قابل بررسی است. در تحلیل نهایی براساس تاریخ فرهنگی قوم بلوچ به این پرسش‌های اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود که معنا و مفهوم، خواستگاه و منبع الهام رنگ‌ها و نقوش در صنایع دستی و مسکن بومی بلوچستان چیست؟ همچنین، چگونه نقوش و رنگ‌های به‌کاررفته در صنایع دستی و مسکن این منطقه را به‌عنوان نمادهای هویتی قوم بلوچ معرفی می‌شوند؟ فرض ما بر آن است که رنگ‌ها و نقوش استفاده شده در هنر و معماری بومی بلوچستان، دارای اشتراکات متعددی هستند که می‌توانند یکی از نشانه‌های هویتی قوم بلوچ باشند. این رنگ‌ها و نقوش برای مردم این منطقه دارای معنا و مفهوم بوده و مردم این ناحیه با توجه به روحیه و سلیقه خود این رنگ‌ها و نقوش را از طبیعت الهام گرفته‌اند.

روش پژوهش

برای انجام این پژوهش از روش کیفی مبتنی بر مطالعات میدانی، عکس برداری از آثار و بررسی متون کتابخانه‌ایی استفاده شده است. جامعه آماری شامل صنایع دستی، پوشاک و معماری سنتی بلوچستان است. نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس هدف تحقیق، نقش رنگ و تاثیر و تاثیر این هنرها بر یکدیگر به صورت انتخابی بوده است. تحلیل داده‌های تحقیق به روش توصیفی- تطبیقی و براساس مطالعات تاریخ فرهنگی بلوچستان صورت پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های انجام شده شاخص در بستر فرهنگی بلوچستان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. «بیپه‌ی» (۱۳۶۵) در مقاله «هنر و فرهنگ بلوچ» به معرفی هنر و فرهنگ بلوچ پرداخته است. «محمودزهی» (۱۳۹۲) در جلد شش دانشنامه فرهنگ و تمدن استان سیستان و بلوچستان به بررسی هنر بلوچستان پرداخته است. «موسوی‌حاجی، محمودی و قاسمی» (۱۳۹۳) در مقاله «پوشاک ملی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی» ضمن بررسی پوشاک بومی بلوچ به این نتیجه رسیده‌اند که پوشاک بلوچ‌ها با زندگی و فرهنگ آن‌ها ارتباط مستقیم دارد و گواهی آشکاری است بر چگونگی شکل‌گیری هویت ایرانی- اسلامی در مناطق مختلف ایران‌زمین. درباره نقوش بومی بر نمای ساختمان‌های منطقه بلوچستان می‌توان به مقاله «ترشایی، نارویی و عیدی» (۲۰۱۴) اشاره کرد با عنوان «ارزیابی طراحی سوزن‌دوزی بلوچ و تاثیر آن بر نمای ساختمان بلوچستان» که در آن به ارتباط نقوش و نمادها در نمای برخی ساختمان‌های مسکونی در زاهدان با سوزن‌دوزی بلوچ پرداخته است. «ترشایی» (۱۴۰۱) در مقاله «قابلیت‌های مسکن بومی استان سیستان و بلوچستان (تعمیم قابلیت‌های گونه‌بان خشتی مسکن بومی حاشیه رودخانه سرباز در مسکن امروز)» علاوه بر ویژگی‌های فنی به نقش رنگ و تاثیر آن در بنا و نمای ساختمان و تزئینات پر رمز و راز خانه‌های منطقه سرباز بلوچستان پرداخته است و سرانجام، «دادگر و قصری» در مقاله «تحلیل نموده‌های تزئینی در روستاهای بلوچستان مرکزی و جست و جوی ارتباط آن با صنایع‌دستی این ناحیه (نمونه موردی روستای پتان)» (۱۴۰۲)، به وجود شباهت‌های فرمی در تزئینات به‌کار رفته در جداره‌های بیرونی بناها و تزئینات به‌کار رفته در هنر صنایع‌دستی این منطقه اشاره کرده‌اند. از آنجا که کمتر پژوهشی درباره نقش و رنگ در هنر و معماری بلوچستان و بررسی نقش و رنگ به‌عنوان نشانه‌هایی از هویت قوم بلوچ به‌صورت ساختارمند انجام شده است، این پژوهش برای شناخت و معرفی ویژگی‌های هنری فرهنگ و هویت قوم بلوچ اهمیت دارد.

ادبیات پژوهش

در این تحقیق از مفاهیمی مثل فرهنگ، هویت، نشانه و هنر قومی استفاده شده است، لازم است در ابتدای امر نسبت به تعاریف این مفاهیم پرداخته شود.

۱. فرهنگ: مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید دربردارنده ایده‌آل‌های گروهی از مردم است؛ به‌طوری که انتقال این ارزش‌ها و عقاید در میان اعضای یک فرهنگ از نسلی به نسل دیگر مشابه است (Rapoport, 1980).
9. بنابراین، فرهنگ هر قوم با تجربیات و تصاویر ذهنی پیوند خورده و تفسیرهای ذهنی ناشی از نشانه‌ها را رقم می‌زند (فریدون‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). هویت‌های فرهنگی نیز متأثر از عوامل مختلفی چون زیبایی‌شناسی،

باورها، نسبت‌ها، مهارت‌ها، خانواده و تاریخ هستند. این عوامل به توسعه و تعمیق هویت کمک می‌کنند (Shaari, 2015).

۲. **هویت:** هویت مفهومی ذهنی، ارزشی و هنجاری است که در پاسخ به کیستی، معنا پیدا می‌کند (میرمقتدایی، ۱۳۸۴، ۱۰). انسان همواره در پی هویتی بوده تا به کیستی و چیستی خویش راه یابد (حجت، ۱۳۸۴). هویت قومی به احساسی مربوط می‌شود که به زندگی معنا می‌دهد. هویت قومی به هویت منسجم کمک می‌کند (Syed 2014 & Jung). باز نمایی محصول فرهنگی نقش مهمی در ایجاد و انعکاس هویت فرهنگی دارد (Shaari, 2015).
۳. **نشانه:** نشانه‌ها، نقوش و تزئینات، یکی از مظاهر تجلی اندیشه‌ها، باورها و احساسات اقوام هستند (دادگر و قصری، ۱۴۰۲، ۲۷۵). همه نشانه‌ها به نوعی با فرهنگ در ارتباط هستند (فریدون‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). «کالر» نشانه‌شناسی چیزها و روابط درون یک فرهنگ را «نشانه» پنداشته و از این راه در صدد است تا قوانین و مقرراتی را که اعضای آن فرهنگ خودآگاه یا ناخودآگاه پذیرفته و با آن‌ها به پدیده‌ها معنی داده‌اند، تشخیص دهد (Caller, 2001, 35). «نشانه»ها با مفهومی که پیدا می‌کنند، معنادار می‌شوند و در پی «نشانه»های فیزیکی و عینی، ذهن آدمی به تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی و هویت هدایت می‌شود.

۴. **هنر قومی:** هنر قومی به عنوان نماد و شکلی از ارتباطات بصری، شنوایی، رفتاری، مکانی، نسبی و سببی، بستری برای تجلی عینی افکار، کردار، اندیشه و آرزوهای انسانی است و در قالب باورها و ارزش‌های فرهنگی قابل تعریف است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). مردم بومی، دانش بومی را از نسلی به نسل دیگر متناسب با هدف زندگی توسعه و ارتقاء داده و منتقل کرده‌اند. این دانش سینه به سینه، در جامعه، روابط و آیین‌ها نهادینه شده است. دانش بومی خلاقیت، هویت، الهام، تعامل و نوآوری را همواره با خود دارد (Shaari, 2015). هنرهای بومی را می‌توان در همه ابعاد زندگی مردم بومی مشاهده کرد. انگار این مردم، هنرمند زاده شده‌اند و هنر لازمه زندگی بومی است. «هنرمند بلوچ در وهله نخست هنرش را برای رفع نیازهای زندگی خویش تولید می‌کند و از طریق این نقوش افکار و آرزوهای خویش را که در ارتباط با زندگی وی است انعکاس می‌دهد» (نظری و همکاران، ۱۳۹۳). هنرمندان هر منطقه بیشتر بر اساس امکانات طبیعی منطقه خود دست به خلق آثار هنری می‌زنند؛ مثلاً در بلوچستان به علت فراوانی درختچه داز^۲ (نخل وحشی) این قوم به وسیله پیش^۳ (شاخه‌های) نخل وحشی ذوق هنری خود را نشان می‌دهد.

بلوچستان و شاخصه‌های فرهنگی آن

استان سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت راهبردی و آب و هوای ویژه‌اش، به همراه تمدن قدیمی‌اش، بین دو فرهنگ ایران و هند قرار دارد و از این دو تأثیر می‌پذیرد. تمدن در سیستان و بلوچستان سابقه طولانی دارد و گاهی پیشاپیش سایر تمدن‌های کهن ایرانی بوده است؛ به طوری که تمدن «شهر سوخته» در هزاره چهارم ق.م از غنای فرهنگی بالایی برخوردار بوده و با تمدن‌های مهمی چون تمدن سند و بین‌النهرین رقابت داشته است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ۲۴۰). سابقه سکونت بشری در بلوچستان به حداقل یکصد هزار سال قبل و به عصر پارینه سنگی باز می‌گردد که سنگ‌نگاره‌های متعددی در این منطقه شاهد بر این ادعا هستند (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۸). سوزندوزی، دست‌بافت‌ها و نقوش سفال بلوچی از گذشته‌های دور تا به امروز اصالت خود را حفظ کرده‌اند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ۳۰۶). و مشخصات فرهنگی و هویتی قوم بلوچ در قالب نقوش هندسی سوزندوزی و مرتبط با پیشینه عشایری آن‌ها تبلور یافته است (کشاورز و جوادی، ۱۳۹۵). بلوچ‌ها به عنوان یک قوم به یک سبک زندگی

خاص در سرزمین بلوچستان تعلق دارند و با آمیختگی اقوام مختلف مهاجر، تفکیک این گروه‌ها از یکدیگر به سادگی ممکن نیست. تأثیر تمدن اولیه آریایی بر این اقوام موجب شده که وابستگی بیشتری به بلوچ‌ها احساس کنند (ناصری‌نیا، ۱۳۸۸، ۵۶). قوم بلوچ در طول تاریخ به پوشاک و هنر بومی خود پایبند بوده و این ویژگی‌ها شامل سادگی، پوشیدگی و تزئینات هنرمندانه است. بلوچ‌ها به زندگی در بیابان‌ها و کوهستان‌ها عادت دارند و ضرب‌المثل بلوچی «وای وطن و هسکین دار» اهمیت تعلق خاطر به سرزمین را نشان می‌دهد. فرهنگ بلوچستان تأثیر زیادی بر بقای قوم، صلح، همکاری و وحدت دارد و این اصول در پوشاک، معماری، صنایع‌دستی و هنر این منطقه نمایان است.

۱. پوشاک بلوچستان: پوشاک از عناصر فرهنگی مهم برای شناسایی یک قوم است (یعقوبی، ۱۳۹۳). پوشاک قوم بلوچ ویژگی‌های خاصی دارد که آن‌ها را از دیگر اقوام ایرانی متمایز می‌کند. این پوشاک علاوه بر هماهنگی با اقلیم، شامل سادگی در لباس مردانه و تزئینات، رنگ و نقوش سوزن‌دوزی شده در لباس زنان است. بلوچ‌ها با حفظ ارزش‌های فرهنگی خود در شکل پوشاک، میراث فرهنگی خود را نیز حفظ کرده‌اند و تغییرات اندک در آن نشان‌دهنده تداوم هویت قومی آنان است (موسوی‌حاجی و همکاران، ۱۳۹۳). پوشاک بلوچ از نظر پوشاندگی و زیبایی‌شناسی غنی است و هنر سوزن‌دوزی با نقش‌ها و رنگ‌های متنوع در آن تجلی یافته است.

۲. صنایع‌دستی بلوچستان: هنرمندان و صنعت‌گران بومی هر منطقه با توجه با امکانات در دسترس دست به‌خلق آثار مورد نیاز جامعه خود می‌زنند. صنایع‌دستی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بلوچ محسوب می‌شوند (نظری و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۱). صنایع‌دستی بلوچستان عبارتند از: سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، حصیربافی، سفالگری و غیره که خلاصه آن را در جدول ۱ می‌توان دید.

جدول ۱. صنایع‌دستی بلوچستان. منبع: نگارندگان.

توضیحات	تصویر
تصویر ۱. سوزن‌دوزی بلوچستان. سوزن‌دوزی، شاخص‌ترین هنر متداول در میان زنان بلوچ است که در مناطق مختلف بلوچستان رواج دارد که به آن «بلوچی‌دوزی» هم گفته می‌شود. نقوش سوزن‌دوزی بلوچ پیچیدگی ندارد هر نقش از ترکیب خطوط شکل می‌گیرد (یعقوبی، ۱۳۹۳).	
تصویر ۲. سکه‌دوزی. سکه‌دوزی برای تزئین روی رختخواب، تزیین دیوار و پرده‌های اتاق استفاده می‌کنند. هنر سکه‌دوزی در بلوچستان مانند سوزن‌دوزی دارای سابقه‌ای طولانی است و تقریباً در تمامی مناطق بین اهالی رایج است. منبع: ایسنا.	
تصویر ۳. سفالگری. روستاهای کلپورگان ^۴ در شهرستان سراوان، کوهمیتگ ^۵ در شهرستان سرباز و هولنچکان ^۶ در شهرستان نیکشهر از اصلی‌ترین مراکز سفالگری بلوچستان هستند. «کیفیات بصری مثل تعادل، تناسب، ریتم و قرینه‌سازی از نقاط قوت نقوش سفالینه کلپورگان است» (نظری و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۲۶).	

توضیحات	تصویر
تصویر ۴. حصیر بافی. از برگ درختچه داز^۷ (نخل وحشی) مصنوعات فراوانی با طرح و نقش‌های متنوع تولید می‌شود. حصیربافی را می‌توان بخشی از تاریخ و انسان‌شناسی اقتصادی بلوچستان عنوان کرد. مصنوعات تولیدی از برگ نخل وحشی از صد نوع کالا بیشتر است. از مهمترین انواع مصنوعات آن می‌توان به حصیر (تگرد^۸)، سبد و ریسمان اشاره کرد (محمودزهی، ۱۳۹۲).	

۳. معماری بلوچستان: بر خلاف باور عمومی جامعه منطقه بلوچستان دارای معماری با هویتی است که کمتر شناخته و معرفی شده است، این معماری را در بناهایی مثل قلعه‌های بلوچستان و گونه‌های مختلف مسکن بومی این ناحیه مثل خانه‌های خشتی، سنگی، سیاه چادر، گرد توپ و انواع کپر می‌توان دید (جدول ۲).

جدول ۲. معماری بلوچستان. منبع: نگارندگان.

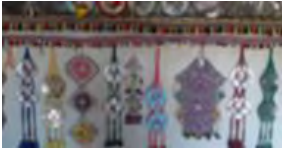
توضیحات	تصاویر
قلعه‌ها: از مهمترین ابنیه بومی بلوچستان می‌توان به قلعه‌های این منطقه اشاره کرد، از جمله این قلعه‌ها می‌توان به قلعه سب، قلعه کنت، قلعه هیدوچ، قلعه ناصری و غیره اشاره کرد. آنچه در معماری قلعه‌های این منطقه مشاهده می‌شود استفاده از نمادهای فرهنگی در نمای ساختمان‌ها.	 تصویر ۶. قلعه ناصری در شهرستان ایرانشهر.  تصویر ۵. قلعه سب در شهرستان سب و سوران.
بان: بان مسکن یک خانواده است و تمام عملکردهای زیستی در آن خلاصه می‌شود. ابعاد فضا، ابعاد و الگوی جانمایی بازشوها و طاقچه‌ها، فرم آتشدان، دودکش، تزیینات موجود در بدنه داخلی و خارجی بنا، الگوهایی هستند که با تغییرات محدود مانند سنت معماری در منطقه رواج دارند.	 تصویر ۸. مسکن بومی منطقه سرباز.  تصویر ۷. مسکن بومی روستای شارک.
گرد توپ: گرد توپ به عنوان مسکن اولیه، با پلان دایره‌ای شکل، جداره‌های استوانه‌ای و سقف گنبدی با مصالح چوب و شاخ و برگ درخت نخل یا خشت در جداره‌ها، با کمترین هزینه و در حداقل زمان برپا می‌شود.	 تصویر ۱۰. نمای بیرونی گرد توپ.  تصویر ۹. فضای داخلی گرد توپ.
سیاه چادر: سیاه چادر سکونتگاهی است که از هر لحاظ با نوع زندگی عشایر و شرایط اقلیمی منطقه سازگار است. پوشش آن از موی بز بافته	 

توضیحات	تصاویر
تصویر ۱۱. تصویر از فضای داخلی سیاه چادر. تصویر ۱۲. تصویر از نمای بیرونی سیاه می شود و سازه نگه دارنده آن ترکیبی از اجزای فشاری نظیر تیر و ستون های چوبی و اجزای کششی مانند طناب است.	 
کپر: کپر به عنوان گونه ای از مسکن بومی این ناحیه، سازه نمایان و استفاده از قابلیت سازه ای شاخه های نخل، جداره های انعطاف پذیر، فضای داخلی وسیع، تزئینات در داخل کپر با معماری بسیار ساده، مبین غنی بودن زندگی بلوچ است.	تصویر ۱۳. نمای داخلی کپر. تصویر ۱۴. حجم و نمای بیرونی کپر.
معماری جدید: غالب معماری امروز خطه بلوچستان همانند سایر نقاط کشور فاقد کارایی، هویت و مقبولیت از طرف مردم است. در بعضی از مناطق بلوچستان تلاش هایی توسط مردم جهت ایجاد هویت در معماری شده که از آن جمله می توان به طراحی نماها با آجرهای رنگی و نقوش سنتی اشاره نمود.	 
بناهای آرامگاهی: در بلوچستان به علت اعتقادات مذهبی بنای آرامگاهی به ندرت ساخته می شود در این تاریخ این ناحیه بناهای آرامگاهی در شهرهای گلشن و چابهار دیده می شود که این ابنیه از لحاظ هماهنگی با فرهنگ مردم این ناحیه ویژگی های شاخصی از جمله استفاده از مصالح بومی و استفاده از نقوش هندسی در نما دیده می شود.	تصویر ۱۵. نمای خانه جدید در شهر خاش. تصویر ۱۶. نمای خانه جدید در شهر نیک شهر.
بنای آرامگاهی در جالق: بنای آرامگاهی در جالق سراوان.	 
بنای آرامگاهی در جالق: بنای آرامگاهی در جالق سراوان.	تصویر ۱۷. بنای آرامگاهی در جالق سراوان. تصویر ۱۸. بنای آرامگاهی در جالق سراوان.

نقش و رنگ در صنایع دستی، پوشاک و معماری بلوچستان

در شکل گیری هر اثر هنری عوامل متعددی تأثیرگذارند از جمله مواد و مصالح، باورها و اعتقادات هنرمند، نیز جامعه ای که هنر در آن و برای آن خلق می شود (مقبلی و شیر علی بان، ۱۳۹۵، ۸۵). از ویژگی های هنر بلوچستان، استفاده از نقوش هندسی و رنگ های شاد در انواع هنرهای این منطقه است. این نقوش و رنگ ها در پوشاک، معماری و صنایع دستی مشهودند و تجلی آرزوهای هنرمندان را نمایان می سازند. نقوش هندسی و رنگ های شاد در پوشاک بانوان، مبلمان داخلی و معماری دیده می شود. عناصر بصری همچون فرم، رنگ، بافت و تقارن نیز از ویژگی های شاخص نقوش هنر بلوچستان به شمار می آیند که به زیبایی و انسجام بصری کمک می کنند (جدول ۳). نقوش و تزئینات معماری روستایی در بلوچستان تحت تأثیر صنایع دستی این مناطق قرار دارند (دادگر و قصری، ۱۴۰۲).

جدول ۳. نقش و رنگ در مسکن، پوشاک و صنایع دستی بلوچستان. منبع: نگارندگان.

توضیحات	تصاویر
استفاده از رنگها و نقوش هندسی ساده و متنوع در نمای ورودی مسکن و استفاده از نقوش و رنگهای مشابه در تزیینات داخلی مسکن حکایت از وجود سلیقه و علاقه مشترک در استفاده از رنگ و نقش در این خطه دارد.	 تصویر ۲۰. آویزها در جداره (ابوالحسن شارکی).
کاربرد رنگهای گرم و شاد در نمای ساختمان، تزیینات داخلی اتاق و تزیینات روی افسار و رخت شتر حکایت از وجود سلیقه و علاقه مشترک در استفاده از رنگ در این خطه دارد.	 تصویر ۲۱. رختخوابها. منبع: ملکزاده، ۱۳۹۶.
نقوش ساده و تکراری با ریتم و هارمونی مشخص در نمای مسکن و صنایع دستی بلوچستان به آن هویت بخشیده و آن را از دیگر نقاط متمایز کرده‌اند. این نقوش ریشه در تاریخ قوم بلوچ دارند و ارزش و معنای خاصی دارند.	 تصویر ۲۲. نمای خانه.
	 تصویر ۲۳. سوزندوزی.

تحلیل رنگ در هنر بلوچستان

رنگهای گرم و سرد به لحاظ تأثیرات روانی بر بیننده از هم تفکیک می‌شوند. رنگهای محلی، به‌عنوان یک منبع تفاوت هویت‌های فرهنگی دیده می‌شوند (Johnny, 2017). انتخاب رنگ و چگونگی کاربرد آن به سلیقه و باورهای مردمان هر فرهنگی وابسته است حتی تأثیری که رنگ روی افراد می‌گذارد در فرهنگها متفاوت است. محل قرارگیری، آب و هوا و فرهنگ، می‌تواند چگونگی کاربرد رنگ و تجارب متعاقب آن را تعیین کند. همچنین می‌توان مردمی را متصور شد که برداشت‌های متفاوتی از رنگها دارند (هال، ۱۳۹۴، ۷۳). بخش زیادی از ارتباطات به کمک رنگها انجام می‌گیرد چگونگی استفاده از رنگ در بلوچستان تحت تأثیر دو عامل عمده محیط و باورها (اعتقادات و آداب و رسوم) محل می‌باشد. رنگها و نقوش در هنر بومی بلوچستان، تجلی‌گاه آرزوهای هنرمندان این خطه هستند (Torshabi & Hasanpur, 2024). رنگها از عناصر هویت‌ساز در پوشاک، مسکن (بالاخص فضای داخلی) و به‌طور کلی در فضای زندگی اجتماعی و خانوادگی بلوچ هستند. رنگهای گرم از طیف قرمز و نارنجی به‌صورت فراوان در سوزندوزی بلوچ به‌کار رفته است (فریدون‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). رنگ نه تنها در لباس، بلکه در دیگر هنرهای کاربردی این قوم، از جمله قالی، کاربرد وسیعی دارد. نورایی تنوع و اصالت رنگ‌بندی را وجه تمایز قالی بلوچ از سایر قالی‌ها می‌داند (نورایی، ۱۳۸۶) در هنر بلوچ، از رنگهای گرم و همچنین سبز به‌عنوان رنگی سرد استفاده می‌شود، به‌ویژه ترکیب رنگهای قرمز و سبز به‌طور وسیعی در این هنر مشاهده می‌شود. رنگهای موجود در معماری و لباس بلوچ، هویت این قوم را نمایان کرده و حس سرزندگی و آرامش را

به محیط زندگی آن‌ها می‌بخشند. رنگ قرمز نماد سلحشوری و شادکامی، و رنگ‌های سفید و سبز نماد سلامتی و زندگی هستند (مصاحبه، عسکری، ۱۴۰۳) (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۸. استفاده از رنگ گرم از طیف قرمز در کنار رنگ سبز. منبع: نگارندگان.

نقوش استفاده شده در هنر بلوچستان

در آثار هنری بلوچستان مانند سوزن‌دوزی، سفالگری، حصیر بافی، تزیینات داخلی و نمای ابنیه، به سادگی از نقوش هندسی مانند خط، دایره، مثلث، اشکال چهارضلعی، چلیپا و شمشه استفاده شده است که هر کدام نام‌های خاصی دارند. این نقوش با ویژگی‌های مشترکی چون سادگی، فرم یکسان، بافت و تکرار در هنر بلوچستان، به‌ویژه در پوشاک و مسکن، به مؤلفه‌ای مهم در شکل‌دهی هویت این منطقه تبدیل شده‌اند. هر نقوش هندسی در سوزن‌دوزی‌ها معنای خاصی دارد. نرماشیری، محقق در این حوزه، نقوش بلوچی را به دو دسته اصلی، یعنی تک (نقش کامل لوزی یا دایره) و کپ (نقوش فرعی مانند مثلث) تقسیم می‌کند (مصاحبه، نرماشیری، ۱۴۰۳). برخی پژوهشگران نام‌های دیگری مانند سهر، جالر، چپراس و موسوم را برای این نقوش در نظر گرفته و آن‌ها را به سه دسته گیاهی، انسانی و حیوانی تقسیم می‌کنند (جدول ۴).

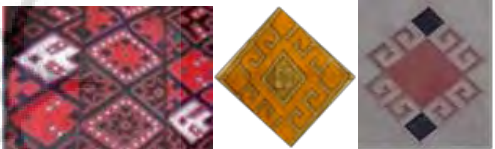
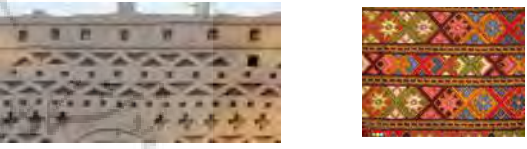
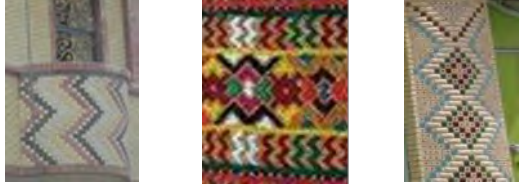
جدول ۴. طبقه‌بندی نقوش سوزن‌دوزی. منبع: نگارندگان.

نوع نقش	نام نقش
حیوانی	چشم ماهی، زومک، سیاه مار، کچک، طاووس پنجه پلنگ، مرگ پانچ (مبارکی و مبارکی، ۱۳۹۵؛ شیرازی و نوروزی، ۱۴۰۲، ۴۶۰).
گیاهی	لاله، موسوم، گل دانه‌دار بهار، بوته، گل سهر، گل ابرکش، گل گندمی، گل هشت برگی و سروک (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۹).
انسانی	تاج شاه، اشک عروس، شیدا، دل بنده، جوک، گورچک، و تیتوک بانوان (مبارکی، ۱۳۹۵، ۲؛ شیرازی و نوروزی، ۱۴۰۲).

منابع الهام نقوش و رنگ در هنر بلوچستان

طبیعت و تغییرات آن در طول سال‌ها، مهم‌ترین معلم و منبع الهام مردم بلوچستان بوده است. آن‌ها رنگ‌ها و نقوش را در طبیعت مشاهده کرده و برای هویت‌بخشی به زندگی خود از آن‌ها الهام گرفته‌اند. الگوی نقوش در هنرهای بلوچستان تحت تأثیر طبیعت زمین‌شناختی، گل‌ها، آب، پوشش گیاهی، حیوانات و باورهای قوم بلوچ قرار دارد. به دلیل باورهای دینی، کمتر به نقوش انسانی و موجودات زنده پرداخته شده است (شهبخش، ۱۳۸۴). منابع الهام رنگ‌ها و نقوش در بلوچستان، طبیعت و واقعیت‌های محیطی و اجتماعی است که منعکس‌کننده باورها، تخیلات، آرزوها، اسطوره‌ها و آداب و رسوم هنرمند و جامعه او می‌باشد. نقوش در صنایع دستی و معماری بومی بلوچ عمدتاً هندسی هستند و از ترکیب خطوط و اشکال ساده به وجود می‌آیند. این نقوش به چهار دسته تقسیم می‌شوند: گیاهی، کیهانی، حیوانی و حاشیه‌ای. الهاماتی از عناصر طبیعی مانند کوه، درخت، آب، ماه و خورشید به همراه مفاهیمی چون رشد و سادگی، اصلی‌ترین منابع الهام هنرمندان بلوچ است. در هنر بلوچستان، شمایل‌های انسانی و حیوانی به‌طور کامل کمتر دیده می‌شود و در صورت وجود، به‌صورت هندسی و انتزاعی به تصویر کشیده می‌شوند (جدول ۵).

جدول ۵. منبع الهام نقوش استفاده شده در هنر بلوچستان. منبع: نگارندگان.

توضیحات	تصاویر
در هنر بلوچستان، بسیاری از نقوش از موجودات زنده‌ای مانند انسان، پروانه، ماهی، قوچ، شتر، آهو، پرنده و طاووس الهام گرفته شده‌اند. این نقوش به‌صورت هنرمندانه و انتزاعی در انواع هنرهای محلی این منطقه به کار می‌روند.	
طبیعت بی‌جان بلوچستان، شامل کوه‌ها، دریا، رودخانه‌ها و آسمان، منبع الهام مردم این منطقه است. در هنر بلوچستان، عناصر طبیعی مانند ستاره‌ها و رودخانه‌ها از طریق نقوش هندسی نظیر مثلث و مربع تجلی می‌یابند.	
آب: ارزشمندی شناخته می‌شود که نماد حیات و برکت است. در نقوش این منطقه، آب به عنوان نعمت الهی و منبع خیر به تصویر کشیده می‌شود، هرچند که ممکن است به صورت سیل ویرانگر نیز عمل کند. مردم بلوچستان آب را نعمتی مقدس از سوی خداوند می‌دانند.	

تصویر ۲۸. خطوط زیگزاگ تجسمی از آب جاری.

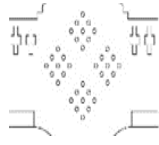
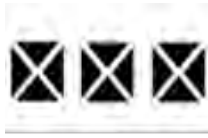
توضیحات	تصاویر
گل، برگ و درخت: گل، برگ و درخت در بلوچستان نماد زندگی در طبیعت هستند و در سال‌های با بارندگی مناسب، انواع گل‌ها مشاهده می‌شود. درختان، به‌ویژه نخل، در فرهنگ و زندگی بلوچ‌ها مقدس و ارزشمندند. درخت به‌عنوان نماد ارتباط زمین و آسمان و نماد ایستایی و مقاومت در طبیعت شناخته می‌شود.	  تصویر ۲۹. نقش هندسی ساده شده درخت.
کوه: بر خلاف باور عمومی، بلوچستان منطقه‌ای کوهستانی است که شامل کوه‌های تفتان، بزمان و بیرک می‌شود. در فرهنگ‌های مختلف، از جمله بلوچستان، کوه‌ها به‌عنوان نماد نزدیکی به خدا و پیوند دهنده ذهن انسان با مفاهیمی چون تعالی و رشد شناخته می‌شوند.	  تصویر ۳۰. نقوش هندسی کنگره‌دار اشاره بر اوج داشته و از کوه‌های منطقه الهام گرفته شده.

معانی و مفاهیم نقوش و رنگ در هنر بلوچستان

نقوش رنگارنگ در هنر بلوچی، به‌ویژه در سوزن‌دوزی‌ها، نشانه‌ای قومی هستند که قوم بلوچ را از همسایگان خود متمایز می‌کنند. کاربرد رنگ‌ها در هنرهای بومی و معماری بلوچستان ریشه‌های مشترکی با همسایگانش، از جمله هند، دارد که ناشی از تعاملات تاریخی است. در هند، رنگ‌ها در معابد نمادهای معنایی عمیق دارند و رنگ‌های اصلی مانند قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی و سفید به‌طور خاص در این معابد استفاده می‌شوند. این رنگ‌ها نه تنها در معماری معابد بلکه در زندگی روزمره و مناسبت‌های مذهبی نیز اهمیت دارند و بازتاب‌دهنده غنای فرهنگی و روحی تمدن هندی هستند. (شکوهی بیدهندی، طالبی بیدهندی و سریری ۱۳۹۲، ۲۴-۲۰). در هر دو فرهنگ، رنگ‌ها به‌منظور انتقال معنا و نمادهای مذهبی، اجتماعی و طبیعی استفاده می‌شوند. در معماری بلوچستان، رنگ‌ها به‌ویژه در دیوارها، درب‌ها و پنجره‌ها برای ایجاد فضایی مفرح و انعکاس شرایط محیطی به کار می‌روند. رنگ‌های گرم مانند قرمز و زرد نشان‌دهنده ارتباط با طبیعت منطقه هستند و همچنین به عنوان نمادهای اجتماعی و فرهنگی در سازه‌ها و مکان‌های مذهبی کاربرد دارند. این ویژگی‌ها شباهت‌هایی با معماری مناطق جنوبی هند دارد که در آنجا نیز رنگ‌های خاصی برای تزیین ساختمان‌ها استفاده می‌شود و انتخاب رنگ‌ها در هند بر اساس مفاهیم مذهبی مرتبط با زندگی و مرگ است (Masson, 1844). این شباهت‌ها طبیعاً بیانگر تبادلات فرهنگی و تجاری در طول تاریخ بین بلوچستان و هند است که از طریق مسیرهای تجاری مشخصی همچون جاده ابریشم انجام می‌شده‌اند. در باب تبار معنایی نقوش و رنگ در هنر بلوچی، باید به این نکته اشاره کرد که عقیده قوم بلوچ بر آن است که «در سرزمین او تمام مظاهر طبیعی بر ضدش قیام کرده است» (کسرائیان و عرشی، ۱۳۸۰، ۹). بنابراین هنرمند بلوچ برای بیان این اندیشه بیشتر از نقوش هندسی استفاد کرده است (جدول ۶). الگوهای هندسی یکسان در کوچکترین ساختارهای هندسی مثل پوشاک تا بزرگترین آن مثل بناها دیده می‌شود (بلبلان و حسن‌پور لمر، ۱۳۹۸). ساختار پیوسته و منسجم نقوش در انواع هنرهای بلوچستان، معانی چون اتحاد و یکپارچگی و در کنار هم بودن قوم بلوچ که رمز بقای آنان در برابر ناملایمات است را برای آن محتمل می‌دانند (نظری و همکاران،

۱۳۹۳، ۱۳۶). در نگاه کلی نقوش تزئینی در نمای معماری بلوچستان بیانگر وحدت در عین کثرت است. سادگی در ضمن جذاب و پر محتوا بودن نقوش از قابلیت‌ها و ارزش‌های هنر بلوچستان است. این تزئینات با نقوش هندسی ساده مثل خط، دایره، مثلث، مربع و چلیپا و ترکیب این نقوش با یکدیگر ضمن ایجاد ریتم، تنوع، حرکت و پیوستگی جذاب و گیرا توجه هر بیننده‌ای را به‌خود جلب کرده و او را به فکر وادارند؛ به‌عنوان مثال مثلث متساوی‌الساقینی که رأس آن به‌سمت بالا باشد به‌معنای زندگی و مثلث متساوی‌الساقینی که رأس آن به‌سمت پایین باشد، به‌معنای مرگ است. اگر خطی از وسط مثلث عبور کند، معنای آتش دارد و ضربدر روی مثلث به‌معنای خطر است (ریکی و شمیلی، ۱۴۰۰). گاهی حتی اشکالی نظیر گل‌ها، برگ‌ها و بته جقه‌ها با یک خط ساده ترسیم می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در سوزن‌دوزی‌های بلوچستان شب و روز را با دو نخ سفید و مشکی نشان می‌دهند. به این صورت که هر دو نخ را به‌طور همزمان در سوزن می‌کنند و در طول دوختن یکبار نخ سفید را رو می‌آورند و یکبار نخ سیاه را (مصاحبه با عسکری، ۱۴۰۳). همانطور که در جداول ۴ و ۵، بیان شد، اکثر این نقوش بیانگر مبارزه با شر و بدی، زایش و نوزایی هستند.

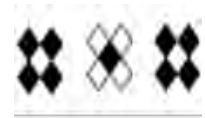
جدول ۶. نقوش استفاده شده در هنر بلوچ و معانی در بردارنده. منبع: نگارندگان.

توضیحات	تصاویر
نقش گورچم و جالر: ترکیبی از خط عمودی و افقی، خطوط سیاه و سفید یک در میان، بیانگر دفع چشم بد و روز و شب.	 
نقش چپراس: خطوط شکسته و زاویه‌دار مهمترین ویژگی زیبایی‌شناسی در فرهنگ بصری بلوچ است (فریدون زاده و همکاران، ۱۳۹۸). جهت ایجاد حرکت و تنوع در آثار هنری انواع خطوط زیگزاگ در هنر بلوچستان دیده می‌شود.	 
نقش گل، دایره: دایره در ابعاد و اندازه‌های کوچک و به‌صورت ترکیبی با سایر نقوش جهت تشکیل هندسه خاص در انواع هنرهای بلوچستان دیده می‌شود. دایره در فرهنگ بلوچستان نماد زندگی و تغییرات زمان و فصول مختلف سال است.	  
مثلث: این نقش در سوزن‌دوزی بلوچ بیانگر روحیه و حالات جنگجویانه قوم بلوچ است (ریکی و شمیلی، ۱۴۰۰، ۵).	  

تصویر ۳۴. مثلث‌های در هنر بلوچستان.

توضیحات	تصاویر
---------	--------

چهار ضلعی و مربع: رایج ترین نقشی که برگرفته از نقش چهارضلعی در هنر بلوچ کاربرد دارد، نقش تیتوک بانوان است که درونش مربع قرار دارد که به آن چشم عروس هم گویند (ریکی و شمیلی، ۱۴۰۰، ۶).



تصویر ۳۵. چهارضلعی در هنر بلوچستان.

شمسه و گل: در بلوچستان، علم ستاره شناسی برای جهت یابی، پیش بینی هوا، جمع آوری محصولات و کوچ استفاده می شود. به همین دلیل، نقوش هندسی ستاره ای شکل در تزیینات این منطقه اهمیت زیادی دارند و نمادی از بکارگیری ستاره ها در فرهنگ محلی هستند.



تصویر ۳۶. نقوش شمسه در هنر بلوچستان.

نقوش پلکانی، طرح سبزو: نقش پلکانی و زیگورات حامل پیام حرکت و رشد و نمو، تقدس، پرستش و کمال است. منبع بخش راست تصویر (ملک زاده، ۱۳۹۶، ۱۸۵).



تصویر ۳۷. نقوش زیگوراتی در هنر بلوچستان.

هنرمندان بلوچ در انتخاب رنگ ها در هنر خود، فراتر از جنبه های زیباشناسانه به تحقق معانی فرهنگی و اجتماعی پرداخته اند. نقوش و رنگ های به کار رفته در هنر بلوچستان حامل پیام هایی هستند که ارتباط نزدیکی با فرهنگ و زندگی روزمره مردم این منطقه دارند. عمدتاً از رنگ های گرم و رنگ سبز استفاده می شود که این انتخاب به ایجاد هویت فرهنگی یاری می رساند و احساس سرزندگی و آرامش را در زندگی روزمره القا می کند. رنگ قرمز به عنوان نماد شجاعت و شادی، رنگ سفید به عنوان مظهر سلامت و رنگ سبز نمایانگر حیات و طبیعت است. سایر رنگ ها نیز معانی گسترده تری به همراه دارند که شامل مفاهیم روشنایی، خوشبختی، زایش، اتحاد، احترام به خالق و انسان ها، و پایداری می شود. هنرمند بلوچ همچنین از آموخته های خود از طبیعت و شرایط محیطی برای بیان این مفاهیم استفاده کرده و این مفاهیم را از طریق نقوش هندسی ساده و ترکیب آن ها منتقل می کند. عنصر اصلی الهام گیری از طبیعت از مواردی چون آب، کوه، دشت، آسمان و موجودات زنده نشأت می گیرد و به عنوان منبعی مهم برای بیان افکار و احساسات هنری به کار می رود.

بحث قبل از نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی نقش رنگ ها و نقوش در شکل گیری هویت فرهنگی و وحدت منظر هنری منطقه بلوچستان می پردازد. هنرهای مختلف در این منطقه، با وجود تفاوت در مصالح و مقیاس، ویژگی های مشترکی دارند که

ناشی از فرهنگ و باورهای مردم است. به عنوان مثال، الگوها و رنگ‌های به کار رفته در سوزن‌دوزی، سفالگری و معماری بلوچستان نشان دهنده روح مشترکی است که از اعتقادات و فرهنگ جامعه بلوچ نشأت می‌گیرد. نقوشی مانند چپراس، گل سهر و گورچم، در هنرهای سوزن‌دوزی و همچنین در معماری و سفال قابل مشاهده‌اند، و آثار باقیمانده از معماری روستاهای تاریخی بلوچستان، مانند فیروزآباد و پتان، این تأثیر را به وضوح نشان می‌دهند. پیش از ابداع آجر لعاب‌دار، نقوش هندسی با استفاده از مصالح ساده مانند خشت خام ایجاد می‌شدند، و با ورود آجر لعاب‌دار، رنگ به این نقوش افزوده گشت. تکثیر و ماندگاری این نقوش در فرهنگ بلوچ، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناسانه، نشان‌دهنده معنا و مفهوم‌های عمیق‌تری در باورهای مردمی است. این نقوش می‌توانند نمادهایی برای دفع شر، جنگ و زایش باشند. استفاده از رنگ‌های متنوع و نقوش هندسی در هنرهای بومی، از جمله در مبلمان داخلی و صنایع‌دستی، نشان‌دهنده تأثیرات فرهنگی و زیباشناسانه در این منطقه است و به هویت و سنت‌های این قوم پیوند می‌خورد. در نماهای بیرونی ابنیه بومی این منطقه نیز با مصالح متفاوت می‌توان انواع نقوش هندسی و رنگ‌های شاد و متنوع را مشاهده کرد. «هنرمند بلوچ واقع‌گراست و می‌کوشد واقعیت زندگی، محیط و مردم دور و بر خود و باورهای‌شان را در آثارش منعکس سازد» (بیهقی، ۱۳۶۵). در هنر بلوچ رنگ و نقش تأثیر به‌سزایی دارد و مهمترین دستمایه هنرمند بلوچ جهت بیان باورها و آرزوهای خود نقش و رنگ است «در بررسی هنر بلوچ باید شرایط خاص آب و هوایی، نوع زندگی عشیره‌ای، طبیعت، اعتقادات و باورهای این قوم مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که هنر آنان به نوعی متأثر از شرایط موجود است» (نظری و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۱۵). از نقوش هندسی به کار رفته در صنایع‌دستی و سوزن‌دوزی پوشاک زنان بلوچ، معماران نیز در نمای ساختمان‌ها استفاده کرده‌اند. استفاده از نقش‌ها و رنگ‌های استفاده شده در معماری و پوشاک، حکایت از ریشه فرهنگی و علاقه مردم به این نقوش و رنگ‌ها دارد. نقوش هندسی با منشأ گیاهی، انسانی و حیوانی و رنگ‌های گرم به عنوان یک ارزش فرهنگی و قابلیت در انواع صنایع‌دستی منطقه، پوشاک بانوان، مبلمان داخلی و حتی معماری دیده می‌شود که از گذشته دور تاکنون همچنان در این منطقه رواج داشته است. رنگ و نقش در هنر این منطقه نه مایه تزئین یک اثر و حتی تکمیل آن بلکه بن‌مایه و اساس تشکیل یک اثر است. همانطور که بیان شد نقوش با معانی گوناگونی چون دفع شر و بدی، جنگاوری در کنار رنگ‌هایی چون قرمز و تنالایته‌های آن، رنگ‌های سیاه و سفید تشکیل معنایی عمیق برای دوری از بلایای طبیعی و غیرطبیعی بوده است. این نقوش و رنگ‌ها با معانی در بر دارنده آن بیانگر اندیشه و فرهنگ قوم بلوچ است. علی‌رغم تنوع و کاربرد گسترده نقوش در هنرهای مختلف، وحدتی در سادگی و اندیشه پنهان در آن‌ها نهفته است که بیانگر اندیشه و هویت قوم بلوچ است.

نتیجه‌گیری

هنر و معماری هر قومی از مهمترین عوامل فرهنگی آن قوم به حساب می‌آیند. در بین اقوام ایرانی، قوم بلوچ یکی از اقوامی است که پای‌بندی زیادی به هنر بومی خود دارد و در طول تاریخ همواره توانسته هنر و معماری خود را که دارای ویژگی‌های خاصی از قبیل سادگی، محرمیت، تزئینات هنرمندانه و سایر خصوصیات است، حفظ کند. تعلق خاطری که قوم بلوچ به هنر و معماری خود، به‌ویژه پوشاک و خانه سنتی دارد، بسیار ارزشمند است. نقوش و رنگ‌های مورد استفاده در هنر و معماری مناطق مختلف بلوچستان، ضمن داشتن تفاوت‌های بسیار، دارای روح مشترک هستند؛ به‌طوری که در همه جا از رنگ‌های شاد و سر زنده و نقوش هندسی ساده مثل خطوط شکسته، مثلث، مربع، دایره، چلیپا و چند ضلعی، با ترکیب هنرمندانه و خاص استفاده شده است. با مطالعه این رنگ‌ها و

نقوش می‌توان به خواستگاه اصلی آن‌ها که طبیعت است، پی برد. این نقش‌ها و رنگ‌مایه‌ها که در همه هنرهای مردم بومی بلوچ به چشم می‌آید، به ارتباط و وابستگی عمیق مردم این خطه از مام وطن، با طبیعت بکر بستر زیست خود، تأکید دارد. این رابطه که با خلاقیت بی‌بدیل هنری بومی درآمیخته و با تداوم زیست مردم در این محیط بکر طبیعی به منصف ظهور رسیده، هویتی را ساخته است که امروز بلوچستان ایران با آن شناخته می‌شود. از نقوش هندسی و رنگ‌های استفاده شده در پوشاک زنان بلوچ گرفته، تا نقش‌ها و رنگ‌های به کار گرفته شده در هنر معماری خانه، حکایت از ریشه فرهنگی، علاقه و وفاداری مردم این سرزمین به طبیعت و محیط زیست خود و هویتی است که قوم بلوچ با آن شناخته می‌شود. از این رو است که با مطالعه رنگ‌ها و نقوش به کار رفته در عرصه‌های مختلف زندگی مردم بلوچستان، به سلايق و علايق و به‌ویژه هویت مردم بلوچ می‌توان پی برد. بنابراین برای حفظ هویت و فرهنگ اصیل مردم هنرمند و هنردوست بلوچ، ضرورت ایجاب می‌کند تا طراحان هنر و معماری در این خطه، به رنگ‌ها و نقوش هنری مردم بومی بلوچ، به‌عنوان اجزای جدایی‌ناپذیر هنری و هویت‌ساز این سرزمین، آگاه باشند و آن‌ها را در طراحی خود به کار بگیرند. در این ارتباط نقش معماران و به‌ویژه طراحان خانه برای این مردم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مشارکت‌های نویسنده

این پژوهش با مشارکت همه نویسندگان نوشته شده است و همه نویسندگان نتایج را مورد بحث، بررسی و تایید قرار دادند.

تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد تشکر و قدردانی است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Caller
2. Daz
3. Pish
4. Kalporagan
5. Kohmitag
6. Holanchakan
7. Daz
8. Tagerd

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۸). *بنیان‌های جغرافیایی جنوب شرق*. انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بلبلان، لیدا و حسن‌پور لمر، سعید. (۱۳۹۸). *الگوهای هندسی و تناسبات طلایی زبان مشترک معماری و هنر روستای تاریخی ایبانه*. نشریه *اقلیم گرم و خشک*، (۹)، ۴۵-۶۸.
DOI: <https://doi.org/20.1001.1.26453711.1398.7.9.3.2>
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۵). *هنر و فرهنگ بلوچ*. فصلنامه هنر، (۱۰)، ۴۴۴ تا ۴۷۱.
- ترشابی، کریم‌بخش. (۱۴۰۱). *قابلیت‌های مسکن بومی استان سیستان و بلوچستان (تعمیم قابلیت‌های گونه‌بان خشتی مسکن بومی حاشیه رودخانه سرباز در مسکن امروز)* (رساله دکتری معماری). دانشکده معماری و شهرساز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). *هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز* (تأملی در رابطه هویت و معماری). نشریه *هنرهای زیبا*، (۲۴)، ۶۲-۵۵.
- دادگر، فرزانه و قصری، محمد علی. (۱۴۰۲). *تحلیل نمودهای تزئینی در روستاهای بلوچستان مرکزی و جست و جوی ارتباط آن با صنایع دستی این ناحیه (نمونه موردی روستای پتان)*. فصلنامه علمی *مطالعات هنر اسلامی*، (۴۹)، ۲۷۵-۲۹۶.
DOI: <https://doi.org/20.1001.1.1735708.1402.20.49.21.0>
- ریگی، نسیمه و شمیلی، مهرنوش. (۱۴۰۰). *بررسی معنای نهفته در نقوش سوزن دوزی‌های بلوچی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، تبریز، ایران*.
- شکوهی بیدهندی، محمد صالح، طالبی بیدهندی، مریم و سریری، عاطفه. (۱۳۹۲). *الگوی رنگ در معابد و مساجد هند*. هنر و تمدن شرق، (۲)، ۱۸-۲۵.
- شه‌بخش، سید محمد. (۱۳۸۴). *نقوش تزئینی بلوچ*. کتاب ماه هنر، (۸۹ و ۹۰)، ۱۴۰ تا ۱۴۶.
- شیرازی، فاطمه و نوروزی، نسترن. (۱۴۰۲). *خوانش ترامنتی یکی از لباس‌های زنانه موجود در موزه پوشاک سلطنتی برگرفته از سوزن‌دوزی بلوچ*. زن در فرهنگ و هنر، (۳)، ۴۵۱-۴۶۹.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jwica.2022.350527.1848>
- فریدون‌زاده، حسن، کشاورز، گلناز و یاری، فهیمه. (۱۳۹۸). *زیبایی‌شناسی منظر فرهنگی شهر در مختصات جغرافیا و قومیت (نمونه موردی: قوم بلوچ)*. نشریه علمی- پژوهشی *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، (۲)، ۶۷-۷۸.
DOI: <https://doi.org/10.30473/psp.2019.6068>
- قنبری، تابان، سلطانزاده، حسین، نصیر سلامی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *نشانه‌شناسی محتوا و زمینه‌های مؤثر بر دیوارنگاری و تزئینات دوره زندیه با تأکید بر درون‌مایه‌های هنر قومی*. نشریه *باغ نظر*، (۴۵)، ۹۱-۱۰۴.
- کسرائیان، نصراله و عرشی، زیبا. (۱۳۸۰). *بلوچستان*. انتشارات آگاه.
- کشاورز، گلنار، عزیز، مونا و منصوری، مهسا. (۱۳۹۹). *نقوش هندسی در سوزن‌دوزی بلوچ*. رجشمار، (۱)، ۱۲۳-۱۳۵.
DOI: <https://doi.org/10.22077/RAJSHOMAR.2020.3392.1009>
- کشاورز، گلنار و جوادی، شهره. (۱۳۹۵). *نسبت نشان فرهنگی و سوزن دوزی بلوچ*. فصلنامه هنر و تمدن شرق، (۱۳)، ۲۲-۱۳.
- مبارکی، سیاوش و مبارکی، داریوش. (۱۳۹۵). *بررسی و تحلیل رنگ و فرم در نقوش اصیل سوزن دوزی پرکار بلوچستان*. نخستین همایش رودوزی‌های سنتی سیستان و بلوچستان. زاهدان، موزه منطقه‌ای جنوب شرق.
- محمودزهی، موسی. (۱۳۹۲). *دانشنامه فرهنگ و تمدن سیستان و بلوچستان ۶ (هنر بلوچستان)* (چاپ اول). پیام اندیشه.
- مقبلی، آناهیتا و شیرعلی‌یان، فاطمه. (۱۳۹۵). *نقش مایه‌های بکار رفته در هنر سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی دست‌بافته‌ها، رودوزی‌ها و زیور آلات)*. *مطالعات تطبیقی هنر*، (۱۱)، ۸۵-۹۸.
DOI: <https://doi.org/20.1001.1.23453842.1395.6.11.9.2>

- ملک‌زاده، حسنا. (۱۳۹۶). *گونه‌شناسی مسکن اصیل روستایی نیمه جنوبی استان سیستان و بلوچستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشکده معماری و شهرسازی یزد، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
- موسوی حاجی، سید رسول، محمودی، سکینه خاتون و قاسمی، مرضیه. (۱۳۹۳). پوشاک ملی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵۷(۱)، ۱۸۰-۲۰۰.
DOI: <https://doi.org/20.1001.1.1735059.1393.15.57.8.7>
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد. (۱۳۹۳). *سیران‌دیشه‌های معماری*. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۴). *معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها (نمونه موردی شهر تهران)* (رساله دکتری معماری). پردیس هنرهای زیبا، دانشکده شهرسازی، تهران، ایران.
- ناصری‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). *شناخت تاریخی بلوچستان (دوره قاجار و قبل از آن)*. نشر عقیل.
- نظری، امیر، زکریایی کرمانی، ایمان و شفیعی سرارودی، مهرنوش. (۱۳۹۳). *سفالگری در بلوچستان ایران (کلیپورگان، کوه‌میتک و هولنچکان)*. سیمای دانش.
DOI: <https://doi.org/20.1001.1.23453842.1393.4.8.3.6>
- نورایی، فروغ. (۱۳۸۶). بررسی و طبقه‌بندی نقوش قالی بلوچ ایران. *دومین سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف* (جلد ۲). مرکز ملی فرش.
DOI: <https://doi.org/10.22059/IJAR.2022.334007.459715>
- یعقوبی، حمیده. (۱۳۹۳). سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ، نقش و رنگ. *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، ۳۸ و ۳۹، ۷۸-۵۱.
DOI: <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.136223.3638>
- هال، استیون، گومز، آلبرتو پرز و پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۴). *پرسش‌های ادراک پدیدارشناسی* (ترجمه علی اکبری، محمد امین شریفیان). نقش پرهام.
- Caller, J. (2001). *The Pursuit of signs*. Routledge.
- Johnny, J. (2017). Notes on interdisciplinary perspectives of local colour identity. *Journal of the International Colour Association*, 19, 4-14.
- Masson, Ch (1844). *Narrative of various journeys in Balochistan, Afghanistan, the Panjab, & Kalāt, during a residence in those countries: to which is added an account of the insurrection at Kalat, and a memoir on Eastern Baluchistan*. Richard Bentley.
- Rapoport, A. (1980). *Using Culture in Housing Design*, University of Wisconsin. Milwaukee.
- Shaari, N. (2015). Indigenous knowledge creativity in Batik cultural product based on Kansei. *International Conference on Social Sciences and Humanities (ICSSH'15)*. Bali (Indonesia).
- Syed, M. & Juang, L., P. (2014). Ethnic identity, identity coherence, and psychological functioning: Testing basic assumptions of the developmental model. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 20(2), 176-190.
- Torshabi, K. & Hasanpur, M. (2024). Investigating the cultural ecosystem of the Sarhad area of Baluchestan based on housing indicators. *Journal of Sistan and Baluchistan Studies*. 4(2), 65-79.